

تبیین رفتار مجرمانه نوجوانان بر اساس نوع خانواده

* محمود علمی

کد مقاله: ۱۶۰

چکیده

رفتارهای مجرمانه نوجوانان امروزه مسئله عمده‌ای در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی خانواده به شمار می‌رود. خانواده، جایگاه مهمی را در چارچوب نهادهای جامعه دارد و تنها نهادی است که وظیفه دگرگون کردن ارگانیزم زیستی و تبدیل آن به موجود انسانی را بر عهده دارد. خانواده از طریق پایه‌ریزی الگوهای تربیتی و رفتاری خود و اجرای نقش‌های اجتماعی گوناگون و در یک کلمه از طریق شیوه‌های اجتماعی کردن به درجات مختلف، هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی مورد پذیرش جامعه را در کودکان و نوجوانان درونی می‌سازد. در صورتی که خانواده‌ها به هر دلیلی نتوانند هنجارهای اجتماعی را به فرزندان خود انتقال و در آن‌ها درونی سازند، احتمالاً رفتار فرزندان مطابق با هنجارهای جامعه نبوده و این رفتار از نظر جامعه، مجرمانه تلقی می‌شود. رفتارهای مجرمانه خود از مصادیق ناکارآمدی نظام اجتماعی به شمار می‌رود. هدف اصلی این بررسی، تعیین رابطه بین رفتارهای مجرمانه نوجوانان با برخی انواع خانواده (اقتدارگرا، دمکراتیک و نابسامان) می‌باشد. نمونه آماری این تحقیق شامل یک گروه از نوجوانان مجرم به تعداد ۱۵۰ نفر که بدون اقدام به نمونه‌گیری از کانون اصلاح و تربیت زندان تبریز انتخاب و یک گروه دیگر به تعداد ۱۵۰ نفر از دانش آموزان مقطع متوسطه تبریز که براساس شیوه نمونه‌گیری سهمیه‌ای انتخاب شده‌اند. برای کنترل بیشتر نتایج تحقیق، این دو گروه از لحاظ برخی متغیرها از جمله سن، جنس، وضع سکونت و پایگاه اجتماعی-اقتصادی جور شدند. روش تحقیق، پیمایشی و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بود. در این مطالعه بر اساس مدل نظری تحقیق و نتایج به دست آمده از انجام آزمون‌های مختلف آماری از قبیل آزمون تفاوت میانگین‌ها، آزمون ضریب همبستگی پیرسون و آزمون ناپارامتری کای اسکوتر، تقریباً تفاوت معنی‌داری بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق مشاهده گردید.

واژگان کلیدی: نوع خانواده، رفتار مجرمانه، نوجوانان، اقتدارگرا، دمکراتیک، نابسامان.

مقدمه

خانواده جایگاه مهمی را در چارچوب نهادهای جامعه اشغال می‌کند. خانواده نماینده تمامی جهان (دانسته‌های فرد از خانواده) پیرامون فرد است، ارزش‌هایی که فرد می‌پذیرد و نقش‌های گوناگونی که از او انتظار می‌رود انجام دهد، نخست در چارچوب محیط خانواده آموخته می‌شود. محیط خانواده فضای مساعدی است که در آن توانایی‌های فرد به مسیر طبیعی خود افتاده و منشاء تغییرات در وجود او می‌شود. خانواده تنها نهادی است که وظیفه دگرگون کردن ارگانیزم زیستی و تبدیل آن به موجود انسانی را بر عهده دارد. پیش از آن که نهادهای دیگر به شیوه‌های گوناگون افراد را تحت تاثیر قرار دهند، خانواده از طریق پایه‌ریزی الگوهای تربیتی و رفتاری خود و اجرای نقش‌های اجتماعی، چگونگی همنوایی با هنجارهای اجتماعی را آموزش داده و سعی دارد آن‌ها را در فرد درونی سازد. خانواده یک ارگانیزم اجتماعی پویاست که از طریق کنش‌های متقابل و به هم پیوستگی اعضای خود، کارکردهای خود را ایفاء می‌کند. نهاد خانواده در مجموعه نهادهای دیگر قرار دارد و این نهاد از طریق روش‌ها و شیوه‌های اجتماعی کردن «به درجات مختلف» همنوایی با هنجارهای اجتماعی مورد پذیرش جامعه را درونی می‌سازد. روش‌های اجتماعی کردن خانواده‌ها، متأثر از وضعیت اجتماعی و اقتصادی، آداب و رسوم، افکار، عقاید، عادات اجتماعی و آرمان‌های اجتماعی آنان بوده و بنابراین همین تفاوت روش‌ها، در نحوه جامعه‌پذیری فرزندان و چگونگی همنوایی آنان با هنجارهای اجتماعی مؤثر بوده به گونه‌ای که گاهی از طریق همین روش‌های اجتماعی کردن، رفتارهای بیمارگونه و انحرافی در فرزندان نوجوان شکل می‌گیرد.

با توجه به این که، خانواده‌ها از لحاظ شیوه‌های تربیتی، در فرآیند جامعه‌پذیری فرزندان از اقتدار، اصول انضباط و نظارت اجتماعی به درجات گوناگونی بهره می‌گیرند، لذا در این مطالعه، رفتارهای مجرمانه نوجوانان در رابطه با انواع خانواده یعنی خانواده اقتدارگرا، خانواده دمکراتیک، خانواده نابسامان مورد مطالعه قرار می‌گیرند. سؤال اساسی این تحقیق این است که آیا بین نوع خانواده و رفتارهای مجرمانه نوجوانان رابطه‌ای وجود دارد؟ آیا ممکن است گونه‌هایی از خانواده، جامعه‌پذیری بهتر نوجوانان را دچار اختلال سازند؟

اهمیت و ضرورت مسئله

نوجوانان، قشر عظیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند که در آینده در پویایی و تداوم حیات نظام اجتماعی و رشد و توسعه همه‌جانبه آن نقش به‌سزایی خواهند داشت. کسانی که در مرحله نوجوانی به سر می‌برند در دوره مملو از تعارض و نوسان بین استقلال و وابستگی یکی از حساس‌ترین مراحل زندگی خود را می‌گذرانند و به این دلیل برای جامعه، خانواده و به ویژه برای والدین مسئولیت سنگینی را ایجاد می‌کند. در جامعه امروز، عصیان، تمرد و سرپیچی از نظام ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، از جمله مشکلاتی است که نسل جدید با آن درگیر است. مشکلات رفتاری را باید مقدمه انجام جرم تلقی کرد.

اکثر بزرگسالان مجرم، انحراف خود را در کودکی و نوجوانی تجربه کرده و در بزرگسالی جرائم دوران نوجوانی را در ابعاد وسیع‌تری تکرار کرده‌اند. آسیب‌های رفتاری موجب اختلال در ساختارهای اجتماعی گشته و دوام و پویایی جامعه را دستخوش تزلزل می‌سازد و امنیت افراد جامعه را تهدید می‌کند و در صورتی که این معضلات رفتاری گسترش یابد، می‌تواند روند تکامل جامعه را نیز به خطر اندازد. در جامعه امروز به دلیل ضعف و یا از بین رفتن کنترل‌های اجتماعی غیررسمی، آسیب‌های رفتاری گسترش چشمگیری یافته و به این دلیل مطالعه، بررسی و پیشگیری از آن‌ها اهمیت فراوانی دارد. از آن جایی که یکی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده، اجتماعی کردن فرزندان می‌باشد، نحوه تحقق این کارکرد مهم در برخی انواع خانواده و در نتیجه چگونگی هم‌نوایی رفتار فرد با نظام ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی جامعه از اهمیت اساسی و حیاتی برخوردار است. تقریباً هیچ نظریه‌ای را نمی‌توان یافت که خانواده را به عنوان عامل مهم شکل‌گیری شخصیت و رفتار آدمیان تلقی نکند. بسیاری از تحقیقات انجام گرفته درباره رفتارهای انحرافی و مجرمانه نوجوانان به اهمیت نقش خانواده تأکید کرده‌اند، اما می‌توان گفت که در متون جامعه‌شناختی ما حتی یک مطالعه پژوهشی در زمینه رفتار انحرافی نوجوانان که با «نوع خانواده» ارتباط داشته باشد، انجام نگرفته است. با توجه به این که، به نظر اکثر صاحب‌نظران اجتماعی، آسیب‌های رفتاری، از مصادیق ناکارآمدی نظام اجتماعی به شمار می‌رود و در پس رفتارهای انحرافی و مجرمانه، نوعی عدم قبول جامعه وجود دارد. از طرفی، خانواده با همه آسیب‌های اجتماعی ارتباط دارد و از دیدگاهی خانواده معیار

شناخت و سنجش آسیب‌های اجتماعی است، به درستی مطالعه‌ای در باب انواع خانواده و تاثیر آن در رفتارهای نوجوانان در مباحث آسیب‌شناسی اجتماعی ضرورت تام دارد. مطالعات انجام گرفته در داخل در باب خانواده و رفتارهای انحرافی نوجوانان بیشتر به بررسی برخی عوامل مرتبط با خانواده از جمله سطح سواد، نوع شغل، میزان درآمد و تعداد اعضای خانواده، محل سکونت، اعتیاد خانواده، از هم گسیختگی خانواده و... پرداخته‌اند و تاکنون در جامعه ما رفتارهای مجرمانه نوجوانان از منظر نحوه اعمال روش‌های اجتماعی کردن خانواده به ویژه از بعد چگونگی اعمال اقتدار، انضباط و نظارت خانواده بر فرزندان (نوجوانان) مورد مطالعه تجربی قرار نگرفته است. با توجه به ارتباط تنگاتنگ رفتارهای مجرمانه نوجوانان با چگونگی روش‌های اجتماعی کردن خانواده‌ها، بررسی حاضر، شاید بتواند گامی هرچند کوچک در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی خانواده بردارد و به مثابه زمینه‌یابی برای مطالعات تجربی گسترده دیگر باشد.

اهداف تحقیق

- هدف کلی این تحقیق «بررسی و تعیین رابطه بین رفتارهای مجرمانه نوجوانان با برخی انواع خانواده» می‌باشد. علاوه بر آن، اهداف ویژه این تحقیق عبارتند از:
- ۱- تعیین انواع خانواده بر اساس متغیرهای میزان اقتدار، انضباط و نظارت والدین در خانواده.
 - ۲- تعیین رابطه بین نوع خانواده با متغیرهای اقتدار، نظارت، انضباط، درونی کردن هنجارها، پیروی از هنجارها در بین دو گروه از نوجوانان عادی و نوجوانان بزهکار.
 - ۳- مقایسه وضعیت نوع خانواده نوجوانان به تفکیک در دو گروه نوجوانان عادی و نوجوانان مجرم.
 - ۴- تعیین نوع جرائم نوجوانان مجرم به تفکیک نوع خانواده.

مروار منابع تجربی

در زمینه پیشینه تحقیق باید گفت که اولاً بررسی‌های انجام شده نشان داد، مطالعه پژوهشی که صرفاً به موضوع مورد مطالعه تحقیق حاضر، پرداخته باشد، وجود ندارد، ثانیاً مطالعات تحقیقی موجود چه در داخل و چه در خارج از کشور تنها از جهاتی خاص به

موضوع مورد مطالعه این تحقیق پرداخته است که چکیده اهم این مطالعات به اختصار در این قسمت آمده است. «کاردینر و لیتون» افراد را بر اساس میزان سازگاری به دو گونه تقسیم کرده‌اند، گونه سازگار و گونه ناسازگار. به نظر این دو مبنای سازگاری را باید در «تربیت خانوادگی» جست. سازگاری یا ناسازگاری فرد بسته به شیوه‌هایی است که جامعه (خانواده) برای تربیت کودکان مقرر داشته است. «کاردینر و لیتون» جامعه‌ها یا فرهنگ‌ها را از لحاظ پرورش کودک به دو دسته تقسیم می‌کنند، آن‌هایی که در کودک پروری، خشن یا مسامحه کارند و آن‌هایی که به حد کفایت از کودک مراقبت می‌کنند. وضع جامعه‌های نوع دوم برای پرورش انسان سازگار مساعد است ولی وضع جامعه‌های نوع اول معمولاً موجب ناسازگاری شخصیت می‌شود (آریان‌پور، ۱۳۶۲، ص ۲۳۹). در مطالعه‌ای در آمریکا، که میزان بزهکاری در آن بسیار بالا بود، سه عامل در ارتباط با افزایش میزان بزهکاری شناخته شد که عبارت بودند از: نخست، بی‌توجهی یا رسیدگی ناکافی به وسیله مادر یا جانشین وی، دوم، انضباط سهل‌گیرانه یا مستبد و سخت‌گیرانه و سوم فقدان انسجام خانوادگی (مانس باول و دیگران، ۱۳۶۸). «بندورا و والترز» از مقایسه دویست و شصت پسر بزهکار و غیربزهکار از طبقه اجتماعی و بهره‌هوشی مشابه دریافتند که والدین پسران بزهکار نسبت به پسران غیربزهکار، طردکننده‌تر و کم‌محبت‌تر بودند (مانس منع). بنا به مطالعات و تحقیقات «وست» و «فارینگتون» کودکان متعلق به والدین بی‌رحم، منفعل و سخت‌گیر، احتمال ارتکاب بزه بیشتری را دارا می‌باشند (Gale & Chapman, 1989). در تحقیقی نشان داده شد که بین فرزندان بزهکار و والدین آن‌ها، خصومت متقابل وجود دارد. والدین در مورد کودکان سهل‌انگاری می‌کنند، به آن‌ها بی‌اعتناء هستند و اختلاف عقیده دارند (میرسی، ۱۹۶۹ - به نقل از مانس). در مطالعه‌ای معلوم شد که والدین خانواده‌هایی که مهارت و دانش لازم جهت کنار آمدن با مشکلات محیط را نداشتند و نمی‌توانستند به اندازه کافی به فرزندان خود توجه یا آنان را راهنمایی کنند، علاوه بر آن که الگوی مناسبی برای فرزندان خود نبودند بلکه فرزندان این خانواده‌ها بیشتر به سوی رفتارهای انحرافی کشیده شده بودند (Michel Rutterand Henn Giller, 1989). بر اساس مطالعات «آدرنو» آن دسته از دانشجویان آمریکایی که دارای تمایلات فاشیستی بودند، در خانواده‌هایی بزرگ شده بودند که در آن‌ها یا مورد بی‌اعتنایی و بد رفتاری قرار گرفته بودند یا مجال اندکی برای ابراز وجود و اتخاذ تصمیم آزادانه به آنان داده شده بود (کمالی، ۱۳۶۹، ص ۱۳۱ - به نقل از کریستنسن). «شاو» و

«مک کی» بزهکاران نوجوان را با کودکان همسالی که به دبستان می‌رفتند مقایسه کردند و به این نتیجه رسیدند که ۴۲/۵ درصد بزهکاران نوجوان و ۳۶/۱ درصد کودکان نوآموز هم سن از میان خانواده‌های از هم پاشیده برخاسته بودند، این نسبت تقریباً ۱/۸ در برابر ۱/۲ بوده است (کی‌نیا، ۱۳۵۷، ص ۲۲۱). «مساواتی» از مقایسه پنجاه نفر از نوجوانان بزهکار با پنجاه نفر از نوجوانان غیر بزهکار نتیجه می‌گیرد که پنجاه و هشت درصد خانواده‌های گروه بزهکار، گرفتار انواع مختلفی از، از هم گسیختگی روابط پدر- مادر بوده‌اند در صورتی که در گروه کنترل (غیربزهکار) میزان آن فقط سی و شش درصد بود (مساواتی، ۱۳۷۴، ص ۳۱۴). یک مطالعه پژوهشی در شهر تهران نشان داده است که نهاد دوستان و نهاد خانواده نسبت به نهادهای دیگر بیشترین تاثیر را در ناهنجاری رفتاری افراد مورد مطالعه داشته‌اند. نتیجه این مطالعه نشان داده است که ضعف فضای کنترلی خانواده به عنوان یک نظام معیوب به جهت ناتوانی در کنترل اجتماعی اعضایش، زمینه نامطلوب را در محیط اجتماعی برای اعضایش به وجود می‌آورد (مرجایی، ۱۳۷۴). یک پیمایش در زمینه اختلالات رفتاری دانش آموزان در یکی از شهرهای کشور، نشان می‌دهد که مخاطرات پیش آمده برای پدر چون قوت، ازدواج مجدد، ناسازگاری پدر نسبت به فرزندان، احساسات منفی فرزندان نسبت به پدر، خصومت متقابل در بین افراد خانواده و بی‌اعتنایی و بی‌احساسی در بین آنان، از مهم‌ترین عوامل رفتارهای مجرمانه در بین نوجوانان دانش آموز به شمار می‌روند (گروسی و دیگری، ۱۳۷۰). نتایج یک مطالعه پژوهشی بر روی نوجوانان ۱۰ الی ۱۸ ساله نشان داده است که نقش خانواده در بروز رفتارهای انحرافی بسیار مؤثر بوده است. در این پیمایش، برخی رفتارهای مجرمانه و انحرافی از قبیل دزدی، انحرافات جنسی و اعتیاد نوجوانان مورد بررسی قرار گرفته و عوامل مؤثر در آن بر اساس میزان تغییراتی که برای هر یک از عوامل تبیین کننده ایجاد می‌کنند، طبقه‌بندی گردیده است. در این طبقه‌بندی، اختلالات شخصیتی، چگونگی گذران اوقات فراغت، روابط با دوستان و همکلاسان، روابط والدین و حوادث خانوادگی از عوامل مهم رفتارهای انحرافی نوجوانان ذکر شده است (حدی، ۱۳۶۶). «خدییوی زندی» در مطالعه‌ای با عنوان «پژوهش در ساختار شخصیت و خانواده بزهکار» به بررسی ترکیب و ساختار خانواده بزهکاران، آگاهی از شرایط اجتماعی و اقتصادی زندگی بزهکاران، جستجوی روابط احتمالی میان شرایط و ساخت خانواده با ساخت شخصیتی بزهکاران و جستجوی روابط خانوادگی به ویژه روابط پدر و مادر

بزهکاران پرداخته است و در نهایت عوامل خانوادگی مؤثر بر رفتار بزهکارانه نوجوانان را «بی توجهی والدین به تربیت فرزندان، سخت گیری و شدت عمل والدین و تنبیه فرزندان و بی توجهی خانواده به ارزش های مثبت دینی و اخلاقی» بر می شمارد (خدیوی زندی، ۱۳۶۵).

«جعفر سخاوت» در پژوهشی تحت عنوان «زمینه یابی ناهنجاری های اجتماعی دانش آموزان متوسطه» ناهنجاری های اجتماعی را به دو دسته عام و خاص تقسیم کرده است. ناهنجاری های عام شامل اجتناب از غیبت غیرموجه، رعایت پوشش مناسب، عدم تخریب محیط زیست و احترام به مالکیت دیگران و ناهنجاری های خاص شامل رعایت حجاب در منزل و خارج از منزل، انجام فریضه نماز و... است. در این مطالعه اثر پیوستگی نوجوان با خانواده، مدرسه و جامعه بر میزان ناهنجاری نوجوانان مطالعه شده است. نتیجه این مطالعه نشان می دهد که هرچه پیوستگی نوجوان به خانواده، مدرسه و جامعه بیشتر باشد، رعایت ناهنجاری های اجتماعی بیشتر می شود. نیز در این مطالعه نشان داده شده است که ناهنجاری های یک فرآیند فردی مخصوص برخی دانش آموزان نیست، بلکه یک فرآیند اجتماعی است که چگونگی جذب و انتقال آن از مشخصات خانواده دانش آموز، چگونگی روابط دانش آموز با خانواده و پنداشت دانش آموز از رعایت ناهنجاری های اعضای خانواده، مردم، جامعه و احساس پیوستگی دانش آموز با خانواده، مدرسه و جامعه متأثر می شود. بر اساس یافته های این تحقیق، گفته شده است که به منظور جذب و انتقال ناهنجاری های اجتماعی ضمن رشد و پرورش برخی توانایی های فردی، حفظ و تقویت پیوستگی دانش آموزان با خانواده، مدرسه و جامعه نیز امری ضروری است (سخاوت، ۱۳۷۶).

پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی بزهکاری نوجوانان در تهران، استدلال شده است که هیچ جامعه ای در حالت ایده آل عاری از مجرمانه نبوده و انفکاک رفتار فرد از ناهنجاری های تعمیم یافته گریزناپذیر می باشد. انحراف و جامعه توأماً استقرار یافته اند. در عین حال پدیده انحراف، میکروبی در بطن اجتماع است، جایی که فرد روند فرهنگ پذیری را درک می کند. نهاد خانواده، کانون مناسبی را جهت تزریق عاطفه و وجدان اخلاقی در این راستا پدید می آورد. بنابراین باید عوامل مستقر در خانواده که قادرند با ارائه نقش ایده آل زمینه جامعه پذیری را ایجاد نمایند مورد بررسی قرار گیرند. در این بررسی، اثر پیوندهای عاطفی اعضای خانواده، گسستگی روابط اعضای، حمایت های عاطفی و روابط اخلاقی خانواده بر روی متغیر بزهکاری نوجوانان اندازه گیری شده است و در نهایت با محاسبه

ضریب تعیین نهایی به میزان ۷۲٪ معادله رگرسیونی به دست آمده است (امانت، ۱۳۷۳). «فروتن» در بررسی جامعه‌شناختی اثر پایگاه اقتصادی-اجتماعی و استبداد پدر در خانواده بر ایجاد انزوای اجتماعی و پرخاشگری فرزندان ۱۹-۱۵ ساله به این نتیجه می‌رسد که در بین افراد مورد مطالعه، بیش از ۴/۱ درصد خانواده‌ها استبداد پدر، ۳/۱ درصد پرخاشگری فرزندان و ۲/۱ درصد خانواده‌ها انزوای اجتماعی فرزند را نشان می‌دهد. هم چنین نشان داده شده است که اولاً پایگاه اقتصادی-اجتماعی پدر و استبداد او در خانواده بر انزوای اجتماعی و پرخاشگری فرزندان اثر معکوس دارد، ثانیاً استبداد پدر با انزوای اجتماعی و پرخاشگری فرزندان رابطه مستقیم دارد و ثالثاً پرخاشگری و انزوای اجتماعی فرزندان با یکدیگر رابطه مستقیم دارد (فروتن، ۱۳۷۸). در یک پژوهش با عنوان «قشریندی اجتماعی و تبیین جامعه‌شناختی جریان اجتماعی کردن نوجوانان در خانواده» ویژگی‌ها، علل و آثار انواع تعامل خانوادگی، راهبردهای تربیتی و سبک‌های اجتماعی کردن پدران و مادران بر سازگاری نوجوانان بررسی شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، سبک اجتماعی کردن خانواده، بیش از هر چیز به نوع تعامل خانواده بستگی دارد و در این میان بسته بودن خانواده، متزوی بودن و بی‌سازمانی آن به شدت موجب روی آوردن به سبک‌های اجتماعی کردن بسته، استبدادی و غیرسازنده می‌شود. هم چنین، نوجوانانی دارای سازگاری بهتر هستند که از خودپنداره مثبت‌تر و مطلوب‌تری برخوردارند و به ویژه در خانواده‌های دوستانه و رابطه‌ای و در معرض فرآیند اجتماعی شدن بهتری به سر می‌برند و بالاخره سازگاری نوجوانان تا حدی بسته به شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خانواده و تناسب آن‌ها بسته به نوع تعامل خانواده، راهبرد تربیتی و سبک اجتماعی‌کننده والدین تعیین می‌شود (کلچین، ۱۳۷۸). در تحقیقی، با عنوان «جوانان و ناهنجارهای رفتاری» یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد، هرچه علاقه خانوادگی شدیدتر باشد، زمینه ناهنجاری رفتاری جوانان کم‌تر خواهد بود. هرچه خانواده‌ها نظارت بیشتری بر رفتار فرزندان خود داشته باشند، احتمال انحراف آن‌ها از هنجارهای اجتماعی کاهش خواهد یافت. هرچه جوانان وقت بیشتری را با خانواده و در کنار خانواده سپری سازند، با هنجارهای اجتماعی هم‌نوا تر خواهند شد. هرچه خانواده‌ها و به ویژه مادران مذهبی‌تر باشند، احتمال ناهنجاری رفتاری فرزندان شان کم‌تر است. مذهبی بودن خود فرد نیز در تبعیت از هنجارهای اجتماعی بسیار مؤثر است (دریسی، ۱۳۸۱، ص ۸۲).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که به طور کلی خانواده به عنوان یکی از عمده‌ترین عوامل اجتماعی کردن فرزندان نقش بسیار اساسی در شکل‌گیری و هدایت رفتار نوجوانان دارد. در واقع هنجارپذیری نوجوانان در مراحل اولیه زندگی تحت تاثیر چگونگی اعمال فرآیند اجتماعی کردن والدین صورت می‌گیرد و سبک‌ها و شیوه‌های مختلف اجتماعی کردن در میزان سازگاری نوجوانان بسیار نقش تعیین‌کننده دارد. ولی باید به یک نکته بسیار مهم و اساسی توجه کرد که در همه مطالعات و تحقیقات موجود بررسی شده، به خانواده به عنوان یک پدیده کلی و واحد نگریسته شده است و این که ممکن است خانواده به لحاظ ساختی و کارکردی، تاثیرات متفاوتی را در فرآیند جامعه‌پذیری فرزندان (نوجوانان) داشته باشد، مورد توجه محققان قرار نگرفته است. بنابراین به نظر می‌رسد، میزان جامعه‌پذیری و به تبع آن هنجارپذیری فرزندان (نوجوانان) درجه‌های گوناگون داشته باشد، لذا برای بررسی دقیق رفتارهای مجرمانه نوجوانان و رابطه آن با خانواده نخست باید به تیپولوژی خانواده پرداخت و سپس رفتارهای مجرمانه نوجوانان را در رابطه با انواع خانواده مورد مطالعه و بررسی قرار داد. در مطالعه حاضر، رفتارهای مجرمانه نوجوانان مورد مطالعه در سه نوع خانواده (خانواده اقتدارگرا، دموکراتیک و نابسامان) مورد مطالعه قرار گرفته است تا مشخص شود که کدام نوع خانواده یا خانواده‌ها، زمینه را برای گرایش و ارتکاب نوجوانان (فرزندان) به رفتارهای مجرمانه فراهم می‌سازند.

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- در خانواده‌هایی که نوجوان مجرم وجود دارد، روابط دموکراتیک کم‌تر از خانواده‌هایی است که نوجوان مجرم در آن وجود ندارد.
- ۲- ارتکاب رفتارهای مجرمانه در بین نوجوانان متعلق به خانواده‌های نابسامان بیشتر از نوجوانان متعلق به خانواده‌های اقتدارگرا و دموکراتیک است.
- ۳- نوع رفتار مجرمانه نوجوانان تابعی از نوع خانواده است.

روش‌شناسی

تعریف مفاهیم و مقیاس‌سازی

در بررسی حاضر رفتار مجرمانه نوجوانان که متغیر وابسته می‌باشد فقط در گروه نوجوانان مجرم (گروه آزمون) مطرح می‌باشد، بنابراین نیازی به طرح سؤال برای اندازه‌گیری این متغیر نبود و فقط به منظور بررسی نوع جرائم این مجرمین، به طرح سئوالی با این مضمون که «به چه جرمی اکنون در زندان به سر می‌برید و دوران محکومیت خود را می‌گذرانید؟» اقدام گردید. پاسخ‌های ارائه شده در پنج دسته مستقل طبقه‌بندی گردید. برای اندازه‌گیری متغیر نوع خانواده از شاخص‌های مختلفی از جمله اقتدار، نظارت و انضباط والدین استفاده شده است. هر یک از متغیرهای مستقل، پس از تعریف نظری با مجموعه‌ای از شاخص‌ها و معرف‌های مناسب مرتبط به هم در قالب مقیاس یک بعدی یا چند بعدی قابل‌اندازه‌گیری شده و در صورت قابل قبول بودن نتایج ارزیابی روایی و اعتبار آن‌ها مورد استفاده قرار گرفته است.

در این مقاله، خانواده، یک نظام اجتماعی هدف‌دار، سازمان‌یافته و پویاست که فعالیت اساسی آن پدید آوردن و اجتماعی کردن فرزندان (نوجوانان) است.

جدول شماره ۱: متغیرهای مستقل، تعریف، تعداد گویه‌ها و میزان پایایی به تفکیک

میزان پایایی	تعداد گویه‌ها	تعریف	متغیر مستقل
۰/۸۴	۱۰	در این نوع خانواده، میزان اقتدار انضباط و نظارت در حد بسیار پایین از سوی والدین اعمال می‌شود. اعضای خانواده از حمایت یکدیگر محروم هستند و نظام خانواده دچار اختلال کارکردی شده است.	خانواده ناپسندان
۰/۸۸	۷	میزان اقتدار، نظارت و انضباط در حد بسیار بالایی اعمال می‌شود. فرزندان در تصمیم‌گیری‌های خانواده مشارکتی ندارند و نرس و نامتی در خانواده حاکم است.	خانواده اقتدارگرا
۰/۷۶	۱۱	در این نوع خانواده میزان اقتدار، انضباط و نظارت در حد اعتدال اعمال می‌شود. همه اعضای خانواده مشارکت جدی در تصمیم‌گیری‌های خانواده دارند و نظام خانواده از وحدت برخوردار می‌باشد.	خانواده دموکراتیک
۰/۶۰	۳	قدرت نهادهای بر مبنای مشروعیت است که والدین از طریق صوفیتی که در آن قرار گرفته‌اند، خود را دارای حق تصمیم‌گیری بر فرزندان می‌دانند و فرزندان به طیب خاطر از فرامین آن‌ها اطاعت می‌کنند.	اقتدار والدین
۰/۱۰۰ تالی-بی- کنندال	۲	نظارت به شیوه‌ها و مکاتیب‌هایی اطلاق شده است که گروه‌ها یا افراد برای واداشتن اعضای خود به حفظ نظم و جلوگیری از ناسازگاری خرابکاری و انحرافات به‌کار می‌گیرند. در این جا به جهت دادن به رفتار فرزندان به وسیله اجبار برای انجام اعمالی که مطلوب شمرده می‌شوند یا از طریق معانقت از کارهایی که مضر پنداشته می‌شود به کار گرفته شده است.	نظارت والدین
۰/۵۰	۴	هدایت رفتار فرزند از جانب خانواده در جهت تسبیق و سامان‌یابی آن، رعایت نظم، شایسته، دقت، صبررسی در انجام تمامی فعالیت‌های اجتماعی و فردی فرزندان تحت راهنمایی و هدایت والدین.	انضباط والدین
۰/۵۷	۶	فراوانی که طی آن والدین می‌کوشند به جای تحکم و مجبور ساختن فرزند به پذیرش هنجارهای اجتماعی، او را با این هنجارها آشنا سازند و دلیل پیدایی آن را برای او دقیقاً بیان نمایند.	درونی کردن هنجارها
۰/۶۵	۶	اطاعت از هنجارها پدیده‌ای درونی ساختن آن‌ها و بدون احساس اجبار از بیرون.	بیرونی از هنجار

روش تحقیق

نوع تحقیق با توجه به هدف تحقیق کاربردی است و از نظر نحوه جمع‌آوری داده‌ها، تحقیقی توصیفی می‌باشد. تکنیک عمده تحقیق در این پژوهش پیمایش از نوع مقطعی است و ابزار عمده جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه است که از سئوالات باز و بسته تشکیل شده است.

جامعه آماری این پژوهش از دو جامعه آماری انتخاب شده است. جامعه آماری اول مشتمل بر نوجوانان مجرم محبوس در زندان تبریز هستند که دوران محکومیت خود را می‌گذرانند. جامعه آماری دوم این پژوهش شامل نوجوانان مقطع متوسطه دبیرستان‌ها و هنرستان‌های نواحی پنجگانه آموزش و پرورش شهر تبریز هستند که در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ به تحصیل اشتغال دارند. تعداد کل نوجوانان ۲۳۰۷۹ نفر است که در پنج ناحیه و پنجاه و سه دبیرستان در مقطع متوسطه به تحصیل مشغول هستند. نمونه آماری مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۱۵۰ نوجوان در مقطع متوسطه نواحی پنجگانه آموزش و پرورش شهر تبریز هستند برای گروه نوجوانان مجرم به دلیل تعداد محدود آنها، نمونه‌گیری انجام نگرفت و همه نوجوانان زندانی مورد مطالعه قرار گرفتند. در خصوص نمونه‌یابی جامعه آماری دوم (نوجوانان عادی) به جهت مشکلات مربوط به کاربرد تکنیک‌های نمونه‌گیری احتمالی، از روش نمونه‌گیری «سه‌میه‌ای» به عنوان یکی از صور رایج نمونه‌گیری غیراحتمالی استفاده گردیده است. در این شیوه هدف ارائه نمونه‌ای معرف بدون اقدام به انتخاب تصادفی افراد است. جهت تعیین حجم نمونه برای جامعه آماری دوم با توجه به این که جامعه آماری از پنج ناحیه آموزش و پرورش تشکیل شده است. به منظور تحت پوشش قرار دادن کل جامعه آماری، از هر ناحیه یک دبیرستان پسرانه به صورت تصادفی انتخاب شد و در مرحله بعد، از بین دانش‌آموزان هر یک از این دبیرستان‌ها حدود ۳۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری سه‌میه‌ای انتخاب شدند. سه‌میه‌بندی بر اساس سن، جنس، محل سکونت و پایگاه اجتماعی-اقتصادی (SES) جمعیت انجام گرفته است و بدین ترتیب نمونه‌ای برابر نمونه اول (۱۵۰) لحاظ گردید. داده‌های مورد نیاز با تکنیک پرسشنامه محقق ساخته گردآوری و با استفاده از روش‌های آماری توصیفی مانند میانگین و واریانس و روش‌های آمار استنباطی از جمله آزمون تی و آزمون ناپارامتری کی‌دو و ضرایب همبستگی توصیف و آزمون شده‌اند.

توصیف و تحلیل داده‌ها**- وضعیت نوع خانواده نوجوانان مجرم**

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول، ۴۲ درصد از خانواده‌های نوجوانان مجرم مورد مطالعه اقتدارگرا، ۴/۷ درصد دمکراتیک و ۵۳/۳ درصد نیز خانواده نابسامان می‌باشند.

جدول شماره ۲: نوع خانواده نوجوانان مجرم به تفکیک تعداد و درصد

نوع خانواده	تعداد	درصد
خانواده اقتدارگرا	۶۳	۴۲
خانواده دمکراتیک	۲	۴/۷
خانواده نابسامان	۸۰	۵۳/۳
جمع	۱۵۰	۱۰۰

وضعیت نوع خانواده نوجوانان عادی

مطابق داده‌های جدول ۲۲/۷ درصد از خانواده‌های نوجوانان عادی مورد مطالعه اقتدارگرا، ۶۱/۳ درصد دمکراتیک و ۱۶ درصد نیز خانواده نابسامان است.

جدول شماره ۳: نوع خانواده نوجوانان عادی به تفکیک تعداد و درصد

نوع خانواده	تعداد	درصد
خانواده اقتدارگرا	۳۴	۲۲/۷
خانواده دمکراتیک	۹۲	۶۱/۳
خانواده نابسامان	۲۴	۱۶
جمع	۱۵۰	۱۰۰

وضعیت نوع خانواده به تفکیک نوجوانان مجرم و نوجوانان عادی

در این مطالعه بر اساس اطلاعات به دست آمده، ۶۴/۹ درصد از نوجوانان مجرم متعلق به خانواده اقتدارگرا و فقط ۳۵/۱ درصد نوجوانان عادی به خانواده اقتدارگرا تعلق داشته‌اند. هم چنین ۷/۱ درصد نوجوانان مجرم از خانواده‌های دمکراتیک و ۹۲/۹ درصد نوجوانان عادی از خانواده دمکراتیک برخاسته‌اند و بالاخره حدود ۷۶/۹ درصد نوجوانان مجرم متعلق به خانواده نابسامان و فقط ۲۳/۱ درصد نوجوانان عادی از خانواده نابسامان بوده‌اند.

جدول زیر نتایج اطلاعات مربوط به وضعیت نوع خانواده نوجوانان را به تفکیک نوجوانان و نوع خانواده نشان می‌دهد:

جدول شماره ۴: وضعیت نوع خانواده نوجوانان به تفکیک مجرم واحدی

نوع خانواده	نوجوانان مجرم		نوجوانان عادی		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
خانواده اقتدارگرا	۶۳	۶۴/۹	۲۴	۲۵/۱	۸۷	۱۰۰
خانواده دمکراتیک	۷	۷/۱	۹۲	۹۲/۹	۹۹	۱۰۰
خانواده نابسامان	۸۰	۷۷/۹	۲۴	۲۳/۱	۱۰۴	۱۰۰
جمع	۱۵۰	۵۰	۱۵۰	۵۰	۳۰۰	۱۰۰

توصیف نوع جرائم به تفکیک نوع خانواده

مطابق جدول در خانواده‌های اقتدارگرا، نوجوانان مجرم حدود ۸۳/۳ درصد مرتکب جرائم علیه اموال شده‌اند و حدود ۱۶/۷ درصد آنان دارای جرائم مواد مخدر بوده است. در خانواده‌های دمکراتیک، ۲۴/۷ درصد نوجوانان مجرم مرتکب جرائم علیه اشخاص، ۵/۵ درصد جرائم علیه اخلاق، ۵۷/۵ درصد جرائم علیه اموال و ۱/۴ درصد جرائم متفرقه و ۱۱ درصد جرائم مواد مخدر شده‌اند. در خانواده‌های نابسامان، ۲۰/۳ درصد نوجوانان مجرم، دارای جرائم علیه اشخاص، ۱۰/۲ درصد جرائم علیه اخلاق، ۵۵/۹ درصد جرائم مالی، ۱۱/۹ درصد جرائم مواد مخدر و ۱/۷ درصد جرائم متفرقه بودند. در جدول زیر داده‌های مربوط به نوع جرائم به تفکیک نوع خانواده آمده است:

جدول شماره ۵: نوع جرائم نوجوانان مجرم به تفکیک نوع خانواده

نوع خانواده	نوع جرائم											
	جرائم علیه اشخاص		جرائم علیه اخلاق		جرائم علیه اموال		جرائم مواد مخدر		جرائم متفرقه		جمع	
	%	ف	%	ف	%	ف	%	ف	%	ف	%	ف
خانواده اقتدارگرا	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۷/۷	۱	۰	۶	۰	۶
خانواده دمکراتیک	۱۸	۲۴/۷	۴	۵/۵	۲	۵۷/۵	۸	۱۱	۱/۴	۷۳	۱۰۰	۷۳
خانواده نابسامان	۱۲	۲۰/۳	۶	۱۰/۲	۳۳	۵۵/۹	۷	۱۱/۹	۱/۷	۵۹	۱۰۰	۵۹
جمع	۳۰	۲۰/۷	۱۰	۷/۲	۸۰	۵۸	۱۶	۱۱/۹	۱/۴	۱۳۸	۱۰۰	۱۳۸

وضعیت سابقه ارتکاب جرم در بین اعضای خانواده

از نظر سابقه ارتکاب جرم در بین اعضای خانواده نوجوانان مورد مطالعه، حدود ۲۷/۳ درصد خانواده‌های مورد مطالعه دارای سابقه ارتکاب جرم در بین اعضای خود هستند. بیشترین میزان سابقه ارتکاب جرم در بین خانواده‌های نوجوانان مجرم دیده می‌شود که حدود ۴۳/۳ درصد خانواده‌های مرتکبین جرم را تشکیل می‌دهد. آزمون χ^2 معنی‌دار بودن رابطه بین وضعیت سابقه ارتکاب جرم در بین دو گروه از نوجوانان را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۶: وضعیت سایه ارتکاب جرم در بین اعضای خانواده نوجوانان به تفکیک دو گروه

سایه جرم	گروه		جمع
	مجرم	عادی	
تعداد پدر	۴	۰	۴
درصد پدر	۲۷	۰	۱/۳
تعداد مادر	۱	۰	۱
درصد مادر	۰/۷	۰	۰/۳
تعداد برادر	۵۰	۱۷	۶۷
درصد برادر	۳۳/۳	۱۱/۳	۲۲/۴
تعداد خواهر	۲	۰	۲
درصد خواهر	۱/۳	۰	۰/۷
تعداد نداد	۸۵	۱۳۳	۲۱۸
درصد نداد	۵۷/۷	۸۸/۷	۷۲/۷
تعداد سایر	۸	۰	۸
درصد سایر	۵/۴	۰	۲/۷
تعداد جمع	۱۵۰	۱۵۰	۳۰۰
درصد جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

آمارهای توصیفی متغیر اقتدار طلبی خانواده

مطابق اطلاعات مندرج در جدول متوسط میزان اقتدار طلبی در بین نوجوانان مجرم برابر ۶۱/۶ و در بین نوجوانان عادی برابر ۴۶ می باشد.

جدول شماره ۷: آمارهای توصیفی اقتدار طلبی خانواده به تفکیک مجرم و عادی

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
مجرم	۱۴۹	۶۱/۶	۲۴/۳۰	۱/۹۹
عادی	۱۵۰	۴۶	۱۰/۴۱	۰/۸۵

آمارهای توصیفی متغیر نظارت خانواده

متوسط میزان نظارت خانواده در بین نوجوانان مجرم حدود ۳۳/۶ و در بین نوجوانان عادی حدود ۴۵/۲ می باشد.

جدول شماره ۸: آمارهای توصیفی متغیر نظارت خانواده به تفکیک دو گروه

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
مجرم	۱۴۴	۳۳/۶	۱۹/۰۱	۱/۵۸
عادی	۱۵۰	۴۵/۲	۶/۱۳	۰/۵۰۰

آمارهای توصیفی متغیر انضباط خانواده

نتایج مطالعه آماری نشان می دهد که متوسط میزان انضباط در بین نوجوانان مجرم حدود ۳۹/۶ و در بین نوجوانان عادی حدود ۵۶/۹ می باشد.

جدول شماره ۹: آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر انضباط خانواده به تفکیک دو گروه

خطای معیار	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه
۱/۴۵	۱۷/۸۷	۳۹/۶	۱۵۰	مجرم
۱/۱۶	۱۴/۳۶	۵۷/۹	۱۵۰	عادی

آماره‌های توصیفی متغیر پیروی از هنجارها در بین نوجوانان

مطابق اطلاعات به دست آمده، میانگین میزان پیروی از هنجارها در بین نوجوانان مجرم حدود ۳۹/۶ و در بین نوجوانان عادی حدود ۵۷/۹ می‌باشد.

جدول شماره ۱۰: آماره‌های توصیفی متغیر پیروی از هنجارها در بین نوجوانان دو گروه

خطای معیار	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه
۱/۴۵	۱۷/۸۷	۳۹/۶	۱۵۰	مجرم
۱/۱۶	۱۴/۳۶	۵۷/۹	۱۵۰	عادی

آماره‌های توصیفی متغیر درونی کردن در بین نوجوانان

بر اساس اطلاعات به دست آمده متوسط میزان درونی کردن در بین نوجوانان مجرم برابر ۳۵/۵ و در بین نوجوانان عادی برابر ۵۲ می‌باشد.

جدول شماره ۱۱: آماره‌های توصیفی متغیر درونی کردن در بین نوجوانان دو گروه

خطای معیار	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه
۱/۸۱	۲۱/۸۹	۳۵/۵	۱۴۶	مجرم
۱/۱۳	۱۳/۸۱	۵۲	۱۵۰	عادی

متغیر میزان اقتدار والدین در بین دو گروه از نوجوانان مجرم و عادی

برای آزمون رابطه بین متغیر میزان اقتدار والدین در بین دو گروه از نوجوانان مجرم و عادی از آزمون تفاوت میانگین‌ها استفاده شده است. نتیجه آزمون نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین میانگین اقتدار والدین نوجوانان مجرم و نوجوانان عادی وجود دارد. با توجه به بالا بودن میانگین میزان اقتدار در بین خانواده نوجوانان مجرم و مقایسه آن با میانگین اقتدار خانواده‌های نوجوانان عادی می‌توان قضاوت نمود که اقتدارطلبی خانواده‌ها و والدین زمینه‌گرایش نوجوانان به رفتارهای مجرمانه را فراهم می‌آورد.

جدول شماره ۱۲: نتایج آزمون تفاوت میانگین متغیر میزان اقتدارطلبی خانواده نوجوانان مجرم و عادی

سطح معنی‌داری	درجه آزادی	t	سطح معنی‌داری	f	اقتدار والدین
۰/۰۰۰	۲۹۷	۷/۱۶۵	۰/۰۰۰	۱۱۹/۳۷۲	

متغیر میزان نظارت والدین در بین دو گروه از نوجوانان مجرم و عادی

برای آزمون رابطه بین متغیر میزان نظارت والدین دو گروه از نوجوانان (مجرم و عادی) از آزمون تفاوت میانگین‌ها استفاده شده است. نتیجه آزمون رابطه معنی‌دار بین میانگین نظارت والدین نوجوانان مجرم و نوجوانان عادی را نشان می‌دهد. با توجه به پایین بودن نظارت والدین نوجوانان مجرم و این واقعیت که بیش از ۵۳ درصد از نوجوانان مجرم از خانواده‌های نابسامان برخاسته‌اند. باید گفت که نابسامانی و آشفتگی در روابط خانوادگی می‌تواند در سوق دادن نوجوانان به رفتارهای نابهنجار بسیار مؤثر باشد.

جدول شماره ۱۳: نتایج آزمون T -Test متغیر میزان نظارت والدین نوجوانان مجرم و عادی

سطح معنی‌داری	درجه آزادی	t	سطح معنی‌داری	f	نظارت والدین
۰/۰۰۰	۲۹۲	-۷/۰۹۶	۰/۰۰۰	۱۴۶۸۷۰	

متغیر میزان انضباط والدین در بین دو گروه از نوجوانان مجرم و عادی

آزمون T رابطه معنی‌دار بین میزان انضباط والدین دو گروه از نوجوانان مجرم و عادی را نشان می‌دهد. پایین بودن میزان انضباط والدین نوجوانان مجرم و این امر مسلم که بیش از ۵۳ درصد نوجوانان مجرم متعلق به خانواده نابسامان هستند، در ارتکاب رفتارهای مجرمانه مؤثر می‌باشد.

جدول ۱۴: نتایج آزمون T -Test متغیر میزان انضباط والدین نوجوانان مجرم و عادی

سطح معنی‌داری	درجه آزادی	t	سطح معنی‌داری	f	انضباط والدین
۰/۰۰۰	۲۹۸	-۹/۲۵۳	۰/۰۴۴	۱۴۵۵	

متغیر میزان پیروی از هنجارها در بین دو گروه از نوجوانان مجرم و عادی

آزمون T رابطه معنی‌دار بین میزان پیروی از هنجارها در بین دو گروه از نوجوانان مجرم و عادی را نشان می‌دهد. در واقع می‌توان گفت که وقتی والدین در خانواده از انضباط و نظارت کافی بر فرزندان برخوردار نیستند و یا حتی از میزان اقتدار بسیار بالایی برخوردارند، در چنین وضعیتی نوجوانان هنجارها را درونی نکرده و به میزان کم‌تری از هنجارهای اجتماعی مورد قبول جامعه اطاعت می‌کنند. مطالعات نشان می‌دهد که میزان پیروی از هنجارها در بین نوجوانان مجرم به مراتب کم‌تر از میزان آن در بین نوجوانان عادی است.

جدول شماره ۱۵: آزمون تفاوت میانگین متغیر میزان پیروی از هنجارها در بین دو گروه

سطح معنی داری	درجه آزادی	t	سطح معنی داری	f	پیروی از هنجارها
.۰۰۰۰	۲۹۸	-۹/۲۵۳	.۰۰۳۶	۴/۱۶۵۶	

متغیر میزان درونی کردن هنجارها به وسیله نوجوانان مجرم و نوجوانان عادی آزمون T رابطه معنی دار بین متغیر میزان درونی کردن هنجارها به وسیله نوجوانان مجرم و نوجوانان عادی را نشان می دهد. در واقع وقتی والدین در فرآیند جامعه پذیری، نتوانند هنجارهای مورد قبول جامعه را به فرزندان خود انتقال دهند و آنها را با روش های منطقی به پذیرش هنجارها ترغیب سازند، بدون شک هنجارها در فرزندان درونی نشده و قاعده ای برای رفتار به طور روشن و شفاف وجود نخواهد داشت.

جدول شماره ۱۶: آزمون تفاوت میانگین متغیر میزان درونی کردن هنجارها در بین دو گروه

سطح معنی داری	درجه آزادی	t	سطح معنی داری	f	درونی کردن هنجارها
.۰۰۰۰	۲۹۶	-۷/۷۶۴	.۰۰۰۰	۲۹/۵۱۷	

تحلیل داده ها

متغیر نوع خانواده و نوع رفتار نوجوانان

برای آزمون رابطه بین متغیر نوع خانواده و نوع رفتار نوجوانان با توجه به این که هر دو متغیر در سطح اسمی اندازه گیری شده اند، از آزمون X^2 استفاده شده است. نتایج به دست آمده از انجام آزمون X^2 بیانگر رابطه معنی دار بین نوع خانواده و نوع رفتار نوجوانان است.

جدول ۱۷: آزمون X^2 و سطح معنی داری بین متغیرهای نوع خانواده و نوع رفتار نوجوانان

مقدار	درجه آزادی	سطح معنی داری	
۱۱۱۸۰۴	۲	.۰۰۰۰	X^2 تعداد
۳۰۰			

هم چنین نتیجه آزمون ضریب همبستگی Phi و $Cramersv$ معنادار بودن رابطه بین نوع خانواده و نوع رفتار نوجوانان را نشان می دهد.

جدول شماره ۱۸: آزمون ضریب همبستگی فی و کرامر و سطح معنی‌داری بین متغیرهای نوع خانواده و نوع رفتار نوجوانان

سطح معنی‌داری	مقدار	Phi Creamer'sv تعداد
۰/۰۰۰	۰/۸۱۰	
۰/۰۰۰	۰/۸۱۰	
	۳۰۰	

در واقع هرچه قدر روابط دمکراتیک در خانواده حاکم باشد گرایش نوجوانان به رفتارهای مجرمانه کم‌تر و هرچه قدر روابط اقتدارگرایانه و نابسامانی در خانواده بیشتر حاکم گردد، ارتکاب رفتارهای مجرمانه بیشتر خواهد بود.

متغیر نوع خانواده و نوع جرائم نوجوانان مجرم

برای آزمون رابطه بین نوع خانواده و نوع جرائم نوجوانان مجرم مورد بررسی، از آزمون X^2 استفاده شده است نتایج به دست آمده از انجام این آزمون، رابطه معنی‌دار بین نوع خانواده و نوع جرائم نوجوانان مجرم را نشان نمی‌دهد.

جدول شماره ۱۹: آزمون X^2 و سطح معنی‌داری بین متغیرهای

نوع خانواده و نوع رفتار مجرمانه نوجوانان

سطح معنی‌داری	درجه آزادی	مقدار	X^2 تعداد
۰/۸۵۰	۸	۱/۰۳۶ ۱۳۸	

بحث و نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های به دست آمده، بیشترین رفتار مجرمانه نوجوانان مورد مطالعه در خانواده‌های نابسامان گزارش شده است، چه در این خانواده‌ها، اقتدار، انضباط و نظارت خانوادگی در سطح پایین قرار دارد و والدین از جهت دادن به رفتار فرزندان خود ناتوان هستند و ضابطه معین و روشنی هم برای هدایت رفتار فرزندان ندارند. فرزندان در چنین موقعیتی نمی‌توانند پیش‌بینی درستی از انتظارات هنجاری جامعه داشته باشند. در این نوع خانواده‌ها، به دلیل فقدان انسجام در بین اعضای خانواده، فرآیند درونی کردن هنجارها به درستی انجام نمی‌گیرد و این امر هنجارپذیری نوجوانان را با موانعی مواجه می‌سازد و آنان

هرگز از درون احساس اجبار به پیروی از هنجارها نمی‌کنند. در این بررسی روابط دمکراتیک در خانواده‌های نوجوانان مجرم کم‌تر از خانواده‌های نوجوانان عادی بوده در این نوع خانواده‌ها، والدین می‌کوشند به جای تحکم و مجبور ساختن نوجوان به پذیرش هنجارهای اجتماعی، او را با این هنجارها آشنا سازند و دلیل پیدایی هنجارها را برای آنان بیان نمایند. رابطه فرزندان و والدین، آزادانه‌تر است و والدین از فرزندان خود نظم و اطاعت معقولی انتظار دارند. همکاری و مشارکت گروهی اساس زندگی می‌باشد، احترام متقابل بین اعضای خانواده وجود دارد، روابط خانوادگی از انسجام و پایداری خاصی برخوردار است، بین اعضای خانواده، احساس تعهد و وابستگی عاطفی عمیقی در جریان است. در خانواده دمکراتیک، فرآیند جامعه‌پذیری به گونه نسبتاً تام صورت می‌گیرد و اعضای خانواده به ویژه فرزندان، ارزش‌ها و هنجارها را درونی می‌کنند و از این طریق، این ارزش‌ها و هنجارها جزء اعتقادات، امتیازات و انتظارات افراد از یکدیگر می‌شود، هنجارها بدان جهت درونی می‌شوند که افراد نسبت به یکدیگر تا حد زیادی حساس هستند و از عکس‌العمل‌های یکدیگر احساس رضایت و یا ناراحتی می‌کنند. وقتی هنجارها درونی شدند، آن‌ها به صورت الزاماتی برای عمل کردن در می‌آیند و افراد احساس می‌کنند که باید آن‌ها را رعایت کنند. تمایل نوجوانان به انجام رفتارهای بهنجار و خودداری از رفتارهای مجرمانه و خلاف نه به خاطر ترس از تنبیه و سرزنش والدین بلکه در سایه راهنمایی و هدایت روشنگرانه والدین است که خودشان متوجه پیامد و عواقب رفتار خودشان باشند و رفتار خود را کنترل نمایند. در این نوع خانواده همه می‌دانند که پیروی از هنجارها، منافع مشترک همه را تضمین می‌کند و احساس تعلق به یکدیگر بیش از پیش تقویت می‌گردد و هرکس متناسب با موقعیت خود را در خانواده مسئولیت ویژه خود را بر عهده می‌گیرد. به این ترتیب فقدان یا ضعف روابط دمکراتیک در برخی خانواده‌ها، فرآیند جامعه‌پذیری کودکان و نوجوانان را تحت تاثیر قرار داده و در چنین وضعیت، والدین که وظیفه مهم درونی کردن هنجارها و ارزش‌ها در فرزندان را دارند، نمی‌توانند به طور صحیحی این کارکرد را ایفاء بکنند و به دلیل همین نقصان، روابط فرزندان با والدین، خانواده و جامعه، دچار اختلال می‌شود. دوران کودکی، یک دوران حساس برای درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی می‌باشد. وقتی کودکان و نوجوانان به هر دلیل نتوانند هنجارها را درونی سازند و نسبت به آن‌ها احساس تعهد و

وابستگی داشته باشند، هم‌نوایی آنان با هنجارهای اجتماعی، سطحی و ظاهری خواهد بود و آنان فقط به قصد حفظ ظاهر به رعایت هنجارها مجبور می‌شوند. در تحلیل رابطه بین رفتارهای مجرمانه نوجوانان و تعلق آنان به خانواده اقتدارگرا باید گفت که اساس تربیت و جامعه‌پذیری در این نوع خانواده را اقتدار کامل تشکیل می‌دهد. در چنین خانواده، ترس بر اعضای خانواده و مخصوصاً بر فرزندان غلبه دارد، نیازهای اساسی فرزندان تأمین نمی‌شود، کودکان و نوجوانان به عنوان اعضای خانواده، مورد احترام والدین قرار نمی‌گیرند. نظم و انضباط و نظارت به صورت غیرقابل تحمل در خانواده حاکم است، مشارکت و مشاوره‌ای در خانواده وجود ندارد، به دلیل حاکمیت اقتدار کامل، احساس امنیت وجود ندارد. فرزندان در چنین خانواده‌ای در ظاهر تسلیم و مطیع ولی در واقع شاکی و دچار مشکل هستند و از قبول مسئولیت خودداری می‌کنند و غالباً در امر تحصیل نیز موفق نیستند. در این نوع خانواده، والدین قادر نیستند با اعتدال، فرزندان را با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی آشنا سازند و الگوهای رفتاری بهنجار را در آنها درونی سازند. در رابطه والدین و فرزندان نوعی مقاومت هنجاری شکل می‌گیرد و این امر زمینه را برای بروز و پیدایی تضاد میان آنها فراهم می‌سازد تبعیت از هنجارها در مواقع حساس صورت ظاهری دارد و بیان‌کننده احساس تعهد و وابستگی درونی آنان به هنجارها نمی‌باشد. والدین از فرزندان خود انتظارات بیشتری دارند که در موارد بیشتری این انتظارات بدون توجه به امکانات فرزند بر آنان تحمیل می‌شود. وقتی فرزندان نمی‌توانند این انتظارات را برآورده سازند، روابط اجتماعی آنان با والدین دچار اختلال و بی‌نظمی می‌شود و گاه رفتارهایی هم‌چون ریا و تظاهر، دروغ‌گویی و تقلب از آنان سر می‌زند. از نظر رابطه بین نوع خانواده و نوع جرائم ارتكابی نوجوانان مجرم، نتایج آزمون‌های معنی‌داری نشان می‌دهد که بین آن دو متغیر رابطه معنی‌داری وجود ندارد. به اعتقاد صاحب‌نظران، رفتارهای مجرمانه، محصول ساختار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، حقوقی و فرآیند تاریخی آن است و به ویژه نشان‌دهنده اختلال بنیادی در نحوه توزیع قدرت است که بر امنیت اقتصادی و اجتماعی تأثیر منفی می‌گذارد. به نظر مرتون، اگر راه‌های مشروع و قانونی برای کسب درآمد و ثروت در نظر بخش وسیعی از افراد جامعه کارآمد نباشد در چنین وضعیتی گرایش به رفتارهای مجرمانه افزایش می‌یابد. تأکید بر ارزش‌ها و اهداف بدون در نظر گرفتن شرایط و امکانات اجتماعی و اقتصادی جامعه، هنجارهای اجتماعی را

ناکارآمد می‌سازد. بنابراین در چنین وضعیتی انواع رفتارهای مجرمانه در بین نوجوانان متعلق به انواع خانواده شیوع می‌یابد. زیرا خانواده خود در ارتباط با کل نظام اجتماعی و در بستر جامعه است که به ایفای کارکردهای خود می‌پردازد، از آن‌جا که وقوع رفتارهای مجرمانه در جامعه ما، حالت عادی پیدا کرده است (گرچه باید به آن به عنوان یک مسئله اجتماعی نگریست) در مورد نقش خانواده و عوامل خانوادگی مؤثر بر رفتارهای مجرمانه نوجوانان باید گفت که این عامل اساسی، خود باید در ارتباط با کل نظام اجتماعی و در بستر جامعه در نظر گرفته شود و بررسی جداگانه و مجزای رفتار مجرمانه بدون در نظر گرفتن مسائل بیرون از خانواده کافی نخواهد بود چرا که امروزه بسیاری از مسائل و مشکلات خانواده از عوامل ناشی می‌شود که ریشه در خارج از محیط خانواده دارد. در وضعیت فعلی جامعه ما، برخی عوامل در ارتباط متقابل با یکدیگر، شرایطی را به وجود آورده‌اند که این شرایط به طور مستقیم و غیرمستقیم بر رفتار اجتماعی افراد جامعه تاثیر می‌گذارند، از جمله این عوامل به نکات قابل توجه زیر اشاره کرد:

- وجود شکاف و فاصله نسلی در جامعه به ویژه در رابطه بین والدین و فرزندان.
- تغییر در ماهیت ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به گونه‌ای که هنجارهای جدید درونی شده و هنجارهای قبلی هم کارآیی خود را تا حدی از دست داده‌اند.
- مسائل و مشکلات اجتماعی - اقتصادی جامعه نظیر، فساد مالی، اداری در جامعه و شیوع گسترده پدیده پارتی بازی در تمام شئون اجتماعی جامعه.
- تغییر در گرایش‌های ارزش افراد به ویژه در نسل جدید و تسلط گرایش ارزشی اقتصادی و منفعت‌طلبانه فردی بر گرایش‌های ارزشی اجتماعی و دینی.
- تأکید بیش از حد بر ارزش‌هایی که به طور رسمی تبلیغ می‌شود و عدم توجه به ارزش‌های جاری در جامعه.
- تعدد کانال‌های ارتباطی در جامعه که امر جامعه‌پذیری موفق را با دشواری‌هایی مواجه می‌سازند و بروز تنش هنجارهای برخاسته از فرهنگ آرمانی و هنجارهای فرهنگ واقعی.
- وجود فاصله بین ارزش‌ها و هنجارهایی که به طور رسمی تبلیغ می‌شود و هنجارهایی که در بین مردم معمول و رایج است.

- عدم وجود فرصت‌های لازم برای خانواده‌ها و والدین به منظور اجتماعی کردن بهنجار فرزندان به دلیل تعدد عوامل اجتماعی کردن و تضاد آشکار بین آن‌ها و نیز مسائل اقتصادی خانواده‌ها.

به این ترتیب باید پذیرفت که برای کاستن از دامنه روبه گسترش رفتارهای مجرمانه افراد جامعه به ویژه نوجوانان، لازم است که مسائل خانواده و جامعه را توأمان مورد بررسی قرار داد. خانواده سالم و بهنجار در بطن جامعه سالم و بهنجار قرار دارد و پویایی آن دو نیز در گرو سلامتی اخلاقی آحاد جامعه است.

منابع

- ۱- آریان پور، امیرحسین، زمینه جامعه‌شناسی، تهران: کتابفروشی دهخدا، ۱۳۵۳.
- ۲- آمارنامه آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی، معاونت نیروی انسانی اداره کل آموزش و پرورش استان، ۱۳۸۰.
- ۳- احدی، حسین، بررسی عوامل مؤثر در بروز اختلالات رفتاری دانش آموزان در سطح کل کشور، تهران: مرکز بررسی مسائل روانی و اجتماعی وابسته به نخست‌وزیری، ۱۳۶۱.
- ۴- افق، حمید، بررسی عوامل اجتماعی پژوهشگری نوجوانان در تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۳۳.
- ۵- بازرگان، عباس و همکاران، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۲۹.
- ۶- توسلی، غلامعباس، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
- ۷- خدیوی زنده، محمد مهدی، پژوهش در ساخت شخصیت و خانواده، پژوهش‌های جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۵.
- ۸- روشه، کی، کنش اجتماعی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی، ترجمه بهمن زنجانی، زاده‌شهر، انتشارات دانشگاه شهید، ۱۳۶۷.
- ۹- رایسی، جمال، جولان ولهدجاری های رفتاری، تهران: اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۱.
- ۱۰- ساروخانی، باقر، اصول و روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲.
- ۱۱- سخاوت، جعفر، زمینه‌یابی ناهنجاری‌های اجتماعی دانش آموزان متوسطه، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۶۶.
- ۱۲- سرلندی، پرویز و دیگران، بررسی علل پژوهشگری نوجوانان و جوانان در مراکز آموزشی دبیرستان‌های تبریز، استناد آری آذربایجان شرقی، ۱۳۷۰.
- ۱۳- سکاکن، سارا، تبیین جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۰.
- ۱۴- شری‌محمداری، علی، روانشناسی تربیتی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸.
- ۱۵- فروتن، بهرناز، بررسی جامعه‌شناختی اثر پایگاه اقتصادی - اجتماعی و استناد پدر در خانواده بر ایجاد انزوای اجتماعی و پرخشگری فرزندان، ۱۹ - ۱۵ ساله، پایان‌نامه کارشناس ارشد، پژوهش اجتماعی، دانشگاه آذربایجان، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، ۱۳۷۸.
- ۱۶- قاضی طباطبائی، محمود، تکنیک‌های خاص تحقیق، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۴.
- ۱۷- کریم‌نسن ریوایم و همکاران، هدای مرد، ترجمه محمود عنایت، تهران: انتشارات کتابسرا، ۱۳۶۵.
- ۱۸- کمالی، علی، آکبر، بررسی مفهوم جامعه پذیرگی، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.
- ۱۹- کی، نیامهدی، جهانی جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.
- ۲۰- گلچین، محمود، گشربندی اجتماعی و تبیین جامعه‌شناختی جریان اجتماعی کردن نوجوانان در خانواده، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۷۸.
- ۲۱- ملسن، یاول و دیگران، رشد و شخصیت کودک، ترجمه بهمن پاشایی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰.
- ۲۲- مرجایی، سیدهادی، گزارش تحقیق، بررسی تأثیرات طیف فضای کنترلی خانواده، مدرسه و دوستان بر پژوهشگری نوجوانان، استناد آری تهران، ۱۳۷۲.
- ۲۳- مسواتی، آذر، محمد، جامعه‌شناسی الحرفات اجتماعی، تبریز: انتشارات نوین، ۱۳۷۴.
- ۲۴- هلاکولی، فرهنگ، جامعه امروز، ترجمه و اقتباس، تهران: چاپخانه جلالی، ۱۳۵۱.

25- Coleman, J.C. The nature of adolescence. London, N.Y. Methuen, 1980.

26- Gale, A. and Chapman, A. Psychology and social Problems. An Introduction to Applied Psychology. New York, 1989.